

تحلیل و اولویت‌بندی موانع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی فوتبال به‌عنوان تماشاگر در ایران

اکرم فراهانی^۱، عزت‌اله شاه‌منصوری^۲، زینب مندعلی‌زاده^۳

۱. کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اراک

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اراک

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل و اولویت‌بندی موانع حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی فوتبال در ایران انجام شد. روش پژوهش کیفی بود و از رویکرد دلفی استفاده شد. در بخش کیفی مشارکت-کنندگان در پنل دلفی بررسی شدند. در بخش پنل دلفی ۲۳ نفر در دور اول و ۱۶ نفر در دورهای دوم و سوم در پژوهش مشارکت کردند که از این تعداد، ۹ نفر استاد دانشگاه، هفت نفر روحانی و هفت نفر کارکنان نیروی انتظامی بودند. روش نمونه‌گیری هدفمند بود. پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از رویکرد دلفی، برای اولویت‌بندی موانع از پرسش‌نامه تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. براساس توافق خبرگان، مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی و مدیریتی از جمله موانع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی بودند. موانع سیاسی با میانگین وزن ۰/۵۲۵ در بالاترین اولویت و سپس موانع مدیریتی با میانگین وزن ۰/۲۴۹، موانع فرهنگی-اجتماعی با میانگین وزن ۰/۱۰۴، موانع زیرساختی با میانگین وزن ۰/۰۸۶ و موانع امنیتی با میانگین وزن ۰/۰۳۵، به ترتیب در اولویت‌های بعد قرار گرفتند. به نظر می‌رسد حتی مسائل زنان در حوزه ورزش نیز سیاست‌زده است که این امر ورزش را در تقابل با تربیت‌بدنی قرار می‌دهد و با توجه به اینکه ورزش از جمله موضوعاتی است که هم می‌تواند یک فرصت و هم یک تهدید تلقی شود، بهتر است که آن را از امور سیاسی جدا کرد؛ زیرا، سلامت جامعه شهری و شهروندان درگرو پرداختن به ورزش در محیطی ایمن است.

واژگان کلیدی: موانع، استادیوم فوتبال، حضور زنان.

1. Email: a.farahani563@gmail.com

2. Email: et.shahmansoori@gmail.com

3. Email: z-mondalizade@araku.ac.ir

مقدمه

سازوکارهای بین‌المللی دنیای ورزش این امکان را به وجود آورده است که فرصت بی‌مانندی برای مقابله با سیاست انزوا و گسترش تعاملات در عرصه‌های بین‌المللی ایجاد شود. ورزش می‌تواند فرصت بی‌نظیری برای خودنمایی جامعه ایرانی در عرصه بین‌المللی، علی‌رغم وجود فشارهای بیرونی مبنی بر ترسیم جلوه‌ای نادرست از وضعیت حقوق بشر و نابرابری زن و مرد در ایران فراهم آورد (احمدی، ۲۰۱۳، ۱۸). در ورزش ذی‌نفعان گوناگونی وجود دارد که یکی از این ذی‌نفعان، تماشاگران هستند؛ به‌گونه‌ای که در بدو ورود به استادیوم‌ها و سالن‌های ورزشی، حضور تماشاگران اولین موردی است که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. تماشاگران، مهم‌ترین بخش مسابقات ورزشی هستند و حتی می‌توان ادعا کرد که ورزش نوین بدون تماشاگر و دوستداران ورزش زنده نخواهد ماند (رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و سلطانی، ۲۰۰۴، ۱۳۸) و رویدادهای ورزشی اساساً تجربه‌ای ذهنی هستند که تماشاچیان و ورزشکاران، خود بخشی از محصول آن هستند (احمدی، رضانی‌نژاد، برومند و قادری، ۲۰۱۵، ۱۳).

ورزش، قلمرو مردانه‌ای شناخته شده است که هنجارهای سنتی مربوط به جنسیت را تقویت می‌کند. نابرابری جنسیتی در مورد تماشاگران و طرفداران ورزش نیز به اوج خود رسیده است؛ به‌گونه‌ای که تماشای ورزش به‌عنوان بازتولید ایده‌های سنتی در مورد مردانگی و زنانگی در نظر گرفته شده است که به حفظ قواعد سنتی پدرسالارانه در جوامع کمک کرده است (سوینسون و هوبر، ۲۰۱۶). با وجود تمامی این دیدگاه‌ها، حضور زنان تماشاگر و طرفدار ورزش بیش‌ازپیش نمایان شده است؛ به‌گونه‌ای که زنان نیمی از طرفداران لیگ ملی فوتبال کشورها را تشکیل می‌دهند (دوش، ۲۰۱۲) و در این راستا در پژوهش‌های متعددی (مانند پوپ، ۲۰۱۱؛ پوپ و ویلیامز، ۲۰۱۱؛ سوینسون و هوبر، ۲۰۱۶) نیز به بررسی تجارب زنان تماشاگر در مجموعه‌های ورزشی پرداخته شده است. همچنین، در برخی پژوهش‌ها (مانند جونز، ۲۰۰۸؛ سوینسون و هوبر، ۲۰۱۶) به موضوع به حاشیه رانده شدن زنان طرفدار نیز پرداخته شده است که این موارد حاکی از وجود تبعیض در قرن بیست‌ویکم در بین طرفداران زن در ورزش است. در واقع، حضور زنان تماشاگر نوعی

-
1. Sveinson & Hoerber
 2. Dosh
 3. Pope
 4. Pole & Williams
 5. Jones

توانمند کردن زنان به منظور ایجاد فرصت و هویت جدید شناخته شده است که چنین حضوری به‌طور خودکار، توسط هنجارهای سنتی جنسی تجویز نمی‌شود (ریسبروف و باتی^۱، ۲۰۰۷).

زنان نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند و حضور آنان در ورزش از جنبه‌های گوناگون اهمیت دارد و باید در برنامه‌ریزی‌های گوناگون و کلان جامعه در نظر گرفته شود، اما در جامعه اسلامی ما هنوز نگاه عموم به موضوع سرگرمی و اوقات فراغت زنان متفاوت است. به‌عنوان بخشی از اوقات فراغت برای زنان ایرانی، به حضور آن‌ها در استادیوم‌های ورزشی در رشته فوتبال توجه نشده است. ورزش یکی از مقوله‌هایی است که با توجه به روحیه نشاط‌آفرینی و بُعد سلامت و حتی درمانی آن باید به حضور زنان در آن توجهی ویژه کرد. جمعیت زیادی از زنان خارج از زمان مربوط به شغل خود و کارهای خانه، یا فراغتی اندک و مقطعی دارند یا فراغت کامل، اما آن را در تنهایی و بدون داشتن برنامه‌ای از پیش اندیشیده‌شده سپری می‌کنند؛ حال آنکه بی‌توجهی به ورزش زنان به‌عنوان یکی از ارکان مهم اجتماع، یکی از مشکلات و معضلاتی است که امروز به‌خوبی شاهد پیامدهای آن در جامعه هستیم. درحقیقت، مادران رکن اصلی نشاط و شادابی را در جامعه به خود اختصاص داده‌اند (پیام زن، ۲۰۱۲). انتخاب ورزش برای گذران اوقات فراغت تأثیر زیادی بر سلامت زنان دارد که این گذران اوقات فراغت از طریق ورزش می‌تواند با انجام دادن فعالیت ورزشی یا تماشای مسابقات ورزشی در ورزشگاه‌ها محقق شود. حضور تماشاگران زن در استادیوم‌ها و محیط‌های ورزشی در بیشتر کشورهای دنیا حتی در کشورهای مسلمان عرب‌زبان، به‌عنوان امری عادی دیده می‌شود و از این حیث زنان و مردان با یکدیگر برابرند، ولی در سال‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ با توجه به ارزش‌های موجود در جمهوری اسلامی ایران و در راستای سیاست‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی مبنی بر جدا کردن زن و مرد و دیدگاه‌های مراجع تقلید شیعه، حضور زنان در ورزشگاه‌های ورزشی به‌عنوان تماشاگر مسابقات ورزشی مردان محدود شد. در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ این موضوع با درخواست زنان برای دیدن بازی‌های ورزشی به‌خصوص فوتبال (که محبوب‌ترین ورزش ایران است) جدی‌تر شد و فشار کنفدراسیون‌های ورزشی آسیایی و جهانی برای پایان دادن به این ممنوعیت، ابعاد تازه‌تری به این موضوع داد. هم‌اکنون کنفدراسیون فوتبال آسیا به فدراسیون فوتبال ایران در این زمینه اولتیماتوم داده است. علاوه بر این، ممنوعیت تماشای بازی در ورزشگاه‌ها برای زنان تبعیض جنسی شمرده می‌شود. به اعتقاد لاوای^۲ (۲۰۱۶)، اثرهای مضر وجود تبعیض فراتر از تنها یک هدف خاص است؛ زیرا، برای مثال، نقش زنان در جامعه به‌عنوان مدل نقش برای دیگران است که به ایجاد دیدگاه‌های متفاوتی در مورد برپایی

1. Raisborough & Bhatti

2. Lavoi

عدالت منجر می‌شود (لاوای، ۲۰۱۶). رفتار مبتنی بر تبعیض می‌تواند حالات متفاوتی داشته باشد مانند ایجاد شکاف جنسیتی (بلاو و خان^۱، ۲۰۱۷) که به‌طور بالقوه می‌تواند به ایجاد کلیشه‌های جنسیتی و ناسازگاری نقش منجر شود؛ براین اساس، وجود کلیشه‌های جنسیتی موجب تضعیف شدن جایگاه زنان در جامعه می‌شود. درواقع، حضور زنان به‌عنوان تماشاگر با در نظر گرفتن اهمیت و خلأ آن، در راستای تشویق و ایجاد انگیزه برای مشارکت در ورزش، کاهش شکاف جنسیتی، از بین بردن غرض‌های سیاسی و ارتقای کیفیت زندگی ذکر شده است (بالی، ولارد و دیزمور^۲، ۲۰۰۴). از طرف دیگر، پیدایش چنین مطالبه‌ای در بین بسیاری از کنشگران و فعالان حقوق زن، توجه دولت به این مطالبه و صدور دستوراتی در این زمینه، مخالفت محافل سنتی و حوزوی با این دستورات و در نتیجه لغو بخشی از آن‌ها و در نهایت استمرار و وجود این مطالبه، اهمیت و ضرورت این بحث را دوچندان می‌کند (فخار طوسی، ۲۰۱۸).

تاکنون گزارش‌هایی مبنی بر حضور غیرمجاز دختران با لباس پسرانه در ورزشگاه‌ها منتشر شده است و در سال‌های اخیر فعالان حقوق زنان خواستار آزاد شدن حضور زنان برای تماشای مسابقات ورزشی مردان شده‌اند. از آن جمله می‌توان به تلاش برای ورود به بازی فوتبال ایران و آلمان در سال ۱۳۸۳ و همچنین کمپین «دفاع از حق ورود زنان به ورزشگاه‌ها» با شعار «حق زن، نیمی از آزادی» اشاره کرد. در بعضی از موارد همچون آخرین بازی تیم ملی فوتبال ایران در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه و ورود زنان سوری (گاهی بی‌حجاب) به استادیوم آزادی و پشت در ماندن زنان ایرانی، می‌توان وجود تناقض در برخورد دوگانه مسئولان در مورد حضور زنان ایرانی در ورزشگاه‌ها را به‌طور عینی مشاهده کرد. در مسابقه فوتبال پرسپولیس-کاشیما نیز حضور زنان در ورزشگاه‌ها انجام شد، ولی ورود زنان به‌صورت گزینشی و محدود و با وجود فشار کنفدراسیون فوتبال آسیا (ای.اف.سی)^۳ صورت گرفت (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۲۰۱۷). درواقع، سال‌هاست که بحث ورود زنان ایرانی به‌عنوان تماشاگر مسابقات مردان مطرح است، ولی هنوز برای این مسئله تدبیر جامعی اندیشیده نشده است و به حضور زنان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی با نگاهی جدی نگریننده است (ابراهیمی، عسکری و نیک‌نژاد، ۲۰۱۰، ۶۲).

در بسیاری از پژوهش‌ها (مانند مینتر و فیستر^۴، ۲۰۱۵؛ هریسون، بوکستین، باتلز و لاورنس^۵ ۲۰۱۶) به حضور تماشاگران زن با توجه به عنصر بازاریابی توجه شده است که به‌طور عمده در مورد

-
1. Blau & Khan
 2. Bailey, Wellard and Dis-more
 3. A.F.C
 4. Mintert & Pfister
 5. Harrison , Bukstein, Botls & Lawrence

تصمیم‌گیری زنان برای حضور در ورزشگاه و تجارب آن‌ها از حضور در ورزشگاه بوده است. مشکلات متعددی در مورد بحث حضور تماشاگران به صورت کلی در ورزشگاه‌ها پذیرفته شده است؛ از جمله نظریه فشار عمومی اگنیو^۱ است که درباره آثار طیفی محرک‌های تنش‌زای ساختاری و روان‌شناختی بر گستره‌ای از پیامدهای آسیب‌زا در استادیوم‌های ورزشی توضیح می‌دهد (شادمفات، کوکران، مونیز و کبیری^۲، ۲۰۱۸). شادمفات و همکاران (۲۰۱۸) رفتارهایی مانند اوباشگری و خشونت تماشاگران در ورزشگاه‌های ایران را توسط نظریه فشار عمومی اگنیو توضیح داده‌اند. در پژوهش‌های دیگری نیز از جمله مطالعات استروناچ، مزول و پیرس^۳ (۲۰۱۸)، دیکسون^۴ (۲۰۱۸) و ریچاردز^۵ (۲۰۱۸)، تبعیض در محیط‌های ورزشی در حیطه‌های مشارکت در ورزش و رهبری و مدیریت زنان در ورزش مطالعه شده است. تمامی این مسائل حاکی از وجود مشکلات از جمله رفتارهای اوباشگری، تبعیض و خشونت تماشاگران است که البته پژوهش‌های انجام‌شده درباره تماشاگران زن و نیازهای آن‌ها اندک است (مینترد و فیستر، ۲۰۱۵).

در بحث زنان تماشاگر در ورزش، پژوهش‌های پراکنده‌ای انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع، در خارج از کشور چندان به آن پرداخته نشده است؛ حتی تعداد پژوهش‌های خارجی در مورد موضوع تماشاگران زن اندک است (مینترد و فیستر، ۲۰۱۵، ۴۰۷) و پژوهش‌های داخلی نیز محدود به چند مورد است؛ چنانکه رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و سلطانی (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به مقایسه اثر حضور تماشاگران مرد و زن بر نتایج پرتاب آزاد بسکتبال و کشش بارفیکس پسران دانشجو پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که آزمودنی‌ها کشش بارفیکس را به‌عنوان مهارتی ظریف در حضور تماشاگران زن بهتر اجرا کردند، ولی در مورد پرتاب آزاد بسکتبال به‌عنوان مهارتی زمخت، حضور تماشاگران یک جنس بر عملکرد ورزشکاران اثر منفی داشته است و حضور تماشاگران مرد و زن باهم، بر عملکرد ورزشکاران اثر مثبت داشته است. رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و فضلی‌درزی (۲۰۰۶) در پژوهشی تأثیر حضور تماشاگران مرد و زن بر میزان بروز رفتارهای پرخاشگرانه ورزشکاران را بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که پرخاشگری ورزشکاران در حضور تماشاگران زن کمتر از موقعیت تماشاگران مرد یا تماشاگران زن و مرد باهم بوده است. قراخلو و نیسیان (۲۰۰۸) به بررسی نگرش اقشار گوناگون به حضور تماشاچیان زن در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که حضور تماشاچیان زن سبب ایجاد انگیزه

-
1. Agnew's General Strain Theory
 2. Shadmanfaat, Cochran, Muniz & Kabiri
 3. Stronach, Mazwell & Pearce
 4. Dixon
 5. Richards

در قهرمانان، ایجاد شور و نشاط، تلطیف فرهنگی ورزشگاه‌ها و توسعه فرهنگ ورزش کردن در خانواده‌ها می‌شود. ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در گرایش زنان به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی پرداختند. براساس نتیجه‌گیری آن‌ها، زنانی که از پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، گرایش‌شان به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی بیشتر بود. از طرف دیگر، با افزایش باور به نگرش عامیانه در مورد ورزش زنان، گرایش آن‌ها به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی کمتر بود. از دیگر نتایج پژوهش ابراهیمی و همکاران این بود که میزان مردسالاری حاکم بر خانواده‌ها تأثیر معناداری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی نداشت. در پژوهش آن‌ها، پایگاه اجتماعی، نگرش عامیانه و دین‌داری از جمله عوامل مؤثر در نگرش زنان به حضور در ورزشگاه در نظر گرفته شده است. احمدی و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در حضور تماشاگران زن در استادیوم‌های ورزشی پرداختند. آن‌ها دریافتند که از نظر هر دو گروه تماشاگران مرد و زن، حضور تماشاگران زن در ورزشگاه‌ها تضادی با ارزش‌های جامعه ندارد. آن‌ها در پیشینه پژوهش خود، بیشتر به جنبه‌های مثبت حضور زنان در ورزشگاه پرداختند و به موانع موجود اشاره نکردند. خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در جدول شماره یک نشان داده شده است.

جدول ۱- خلاصه‌ای از پژوهش‌ها در زمینه حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی

پژوهشگر	هدف پژوهش	نتایج
رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و سلطانی (۲۰۰۴)	مقایسه اثر حضور تماشاگران مرد و زن بر نتایج پرتاب آزاد بسکتبال و کشش بارفیکس پسران دانشجو	اثر منفی حضور تماشاگران یک جنس بر عملکرد ورزشکاران و اثر مثبت حضور تماشاگران مرد و زن باهم به‌عنوان تماشاگر گزارش شد.
رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و فضلی‌درزی (۲۰۰۶)	تأثیر حضور تماشاگران مرد و زن بر میزان بروز رفتارهای پرخاشگرانه ورزشکاران	پرخاشگری کمتر ورزشکاران در حضور تماشاگران زن نسبت به تنها وجود تماشاگران مرد گزارش شد.
المیری، نادریان جهرمی، سلطان حسینی و نصر اصفهانی (۲۰۰۹)	بررسی عوامل مؤثر در حضور تماشاگران فوتبال در ورزشگاه‌ها	جذابیت بازی، اولویت‌های تماشاگران و وجود امکانات و تسهیلات اثرگذار بر حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها گزارش شد. در این مطالعه، تماشاگران مرد شرکت داشتند.
ملکوتیان (۲۰۱۰)	بررسی نقش و ارتباط دوجانبه ورزش و سیاست	اثرگذاری سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبردهای ورزشی بر ورزش و اثرگذاری ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست گزارش شد.

ادامه جدول ۱- خلاصه‌ای از پژوهش‌ها در زمینه حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی

پژوهشگر	هدف پژوهش	نتایج
قراخانلو و نیسیان (۲۰۰۸)	نگرش اقشار متفاوت جامعه به حضور تماشاچیان زن در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان	اثرهای مثبت حضور تماشاچیان زن از جمله ایجاد انگیزه در قهرمانان، ایجاد شور و نشاط، تلطیف فرهنگی ورزشگاه‌ها و توسعه فرهنگ ورزش کردن در خانواده‌ها گزارش شد.
اتقیا (۲۰۰۷)	نیازسنجی از اقشار گوناگون زنان ایرانی در زمینه ورزش‌های همگانی	کمبود امکانات ورزشی و کمبود تبلیغات مؤثر برای گسترش ورزش‌های همگانی از جمله نیازهای اساسی زنان گزارش شد.
ابراهیمی، عسکری و نیک‌نژاد (۲۰۱۰)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در گرایش زنان به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی	پایگاه اجتماعی، نگرش و دین‌داری از جمله عوامل مؤثر در نگرش زنان به حضور در ورزشگاه به‌عنوان تماشاگر ذکر شد.
نادری، شهبازی و اکبری (۲۰۱۴)	تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیتهای ورزشی در پارک‌های بانوان تهران	توسعه فضاهای ورزشی و زیرساخت‌های آن برای بانوان، مهم‌ترین نیاز فضاهای ورزشی از جمله پارک‌های ورزشی بیان شد.
مومنی، همتی و مرادی (۲۰۱۳)	شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش روی زنان در انجام‌دادن فعالیتهای ورزشی	بی‌توجهی مسئولان به ورزش بانوان، وجود فرهنگ مردمحوری، فقدان سرمایه‌گذاری لازم در زمینه توسعه اماکن ورزشی زنان، موانع پیش روی زنان برای انجام‌دادن فعالیتهای ورزشی بودند.
کشاورز، فراهانی، رضائی صوفی و زکایی (۲۰۱۶)	تحلیل عاملی قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصتهای دریافت و میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی در ایران	یکی از تهدیدهای میزبانی رویدادهای بین‌المللی، محدودیت حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در ورزشگاه‌ها گزارش شد.
احمدی، رضائی-نژاد، برومند و قادری (۲۰۱۵)	بررسی عوامل مؤثر در حضور تماشاگران زن در استادیوم‌های ورزشی	از نظر هر دو گروه تماشاگران مرد و زن، حضور تماشاگران زن در ورزشگاه‌ها تضادی با ارزش‌های جامعه ندارد.
باتمانی و سجادزاده (۲۰۱۵)	ارتقای حضورپذیری زنان در فضای ورزشی با رویکرد توسعه امنیت اجتماعی (نمونه موردی: پارک جنگلی توس نودر سنندج)	تأمین امنیت (حضور مأموران نیروی انتظامی)، ارتقای زیرساخت‌ها (وجود تاکسی‌ها و خطوط حمل‌ونقل عمومی) از عوامل مؤثر در حضور زنان در پارک‌های جنگلی سنندج ذکر شد.
فخارطوسی (۲۰۱۸)	حضور زنان در ورزشگاه‌ها: پژوهشی فقهی	شرایط سیاسی به‌همراه قوانین محدودکننده اجتماعی و عوامل مدیریتی از علل حضورنداشتن زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر گزارش شد.

ادامه جدول ۱- خلاصه‌ای از پژوهش‌ها در زمینه حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی

پژوهشگر	هدف پژوهش	نتایج
مادسنس و اک ^۱ (۲۰۰۸)	خشونت تماشاگران در استادیوم‌ها	منشأ خشونت تماشاگران را در سه عامل ویژگی رویداد (حساسیت رویداد، مدت آن، ویژگی جمعیتی)، ویژگی مکانی (دما، سطح سروصدا، نوع مکان، ترتیب صندلی‌ها) و ویژگی کارکنان امنیتی استادیوم (میزان آمادگی، تجارب، حضور آنان) دانستند.
احمدی و رضوی (۲۰۱۵)	بررسی ابعاد حقوقی-قانونی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی ایران	در رویکردی توصیفی-پیمایشی، به بررسی ابعاد حقوقی-قانونی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی در مورد حضور زنان پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که تمام این عوامل بر حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی از جمله عوامل حقوقی-قانونی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی تأثیرگذارند، اما در این مقاله به اولویت-بندی این مقولات پرداخته نشد.
لیچفیلد، کاوناف، ازبرن و جونز ^۲ (۲۰۱۸)	نقش رسانه‌های اجتماعی در سیاست‌های جنسیتی و نژادپرستی در مورد یک تنیسور زن آفریقایی-آمریکایی	تبعیض‌های جنسیتی و نژادی به‌ویژه در فضای مجازی علیه این ورزشکار زن مطالعه شد.
شادمفات، کوکران، مونیز و کبیری (۲۰۱۸)	اوباشگری فوتبال در ایران: آزمون نظریه فشار عمومی اگنیو	از مشکلات متعدد در ورزشگاه‌ها، خشونت و رفتارهای اوباشگری تماشاگران فوتبال بود.
هیلمن و کالئو ^۳ (۲۰۱۸)	مبارزه با تبعیض جنسیتی: فقدان یک چارچوب مناسب	عوامل مؤثر در مبارزه علیه تبعیض جنسیتی را فراتر از بحث‌های مدیریتی دانستند و به‌نوعی ابهام، انگیزه، کلیشه‌های جنسیتی را در ارزیابی و قضاوت در مورد تعصبات موجود مؤثر دانستند.

براساس جدول شماره یک، مروری بر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی کیفی با در نظر گرفتن تمامی ابعاد مؤثر در حضور نداشتن زنان به‌عنوان تماشاگر در استادیوم‌های ورزشی در رشته فوتبال و اولویت‌بندی آن‌ها انجام نشده است و اینکه تنها به بررسی نگرش درباره حضور زنان

1. Madensen & Eck
2. Litchfield, Kavanagh, Osborne & Jones
3. Heilman & Caleo

و ارتباط حضور زنان با دیگر عوامل پرداخته شده است. نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر، مطالعه احمدی و رضوی (۲۰۱۵) است که مشابه با مطالعه حاضر، به بررسی ابعاد حقوقی-قانونی و فرهنگی-اجتماعی پرداخته است، اما به ابعاد سیاسی و ابعاد زیرساختی نپرداخته است که این موارد از جمله تمایزهای میان این دو پژوهش هستند؛ در نتیجه، در پیشینه مطالعه این خلأ پژوهشی وجود دارد که موانع حضور زنان به‌عنوان تماشاگر ورزش فوتبال در استادیوم‌های ورزشی چیست؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند به مدیران، مسئولان ورزشی و برنامه‌ریزان جامعه کمک کند که فرایند حضور زنان در ورزشگاه‌ها را تسهیل کنند تا از این طریق بتوان مانع بهره‌برداری‌های سیاسی و دیدگاه‌های غربی درباره حضور زنان به‌عنوان تماشاگر فوتبال در استادیوم‌های ورزشی شد و همچنین، به ترسیم ختمشی فرهنگی-اسلامی در ورزشگاه‌ها کمک شود.

روش پژوهش

روش پژوهش، کیفی است و از رویکرد مبتنی بر پرسش‌نامه دلفی استفاده شده است. در واقع، در رویکرد دلفی از پرسش‌نامه‌های باز و آزادپاسخ استفاده می‌شود، اما در روش کیفی از داده‌های کمی برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود (لو، ۲۰۰۲). روش پژوهش کیفی دلفی در فلسفه کانت و هگل ریشه دارد که بر اهمیت نظرسنجی و همگرایی تصمیم‌گیری تأکید داشتند (برادی، ۲۰۱۵). از جمله کسانی که درگیر در مدیریت و مطالعات ورزشی زنان هستند (با توجه به زمینه مطالعاتی آنها)، استادان مدیریت ورزشی هستند. نیروی انتظامی نیز مسئول تأمین نظم در مجامع ورزشی است و همچنین روحانیون بر تصمیم‌گیری‌های فرهنگی اثرگذارند؛ بنابراین، برای تدوین دور اول دلفی از این گروه‌ها نظرسنجی شد؛ به عبارتی، در مرحله کیفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. دلیل انتخاب کارکنان نیروی انتظامی، درگیری چنین افرادی در حوزه‌های نظم در ورزشگاه‌ها و تجارب این افراد در برقراری نظم و امنیت در ورزشگاه‌ها بود. با روحانیون نیز به دلیل نقش آنها در بطن دینی و مذهبی جامعه و نیز در تصمیم‌گیری‌ها، مصاحبه‌هایی انجام شد.

بخش کیفی شامل مشارکت‌کنندگان در پنل دلفی بود؛ براین اساس، استادان مدیریت ورزشی، روحانیون و برخی از کارکنان نیروی انتظامی، افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه را تشکیل دادند. در بخش پنل دلفی، ۲۳ نفر در دور اول (شامل مصاحبه و پرسش‌نامه اولیه) و ۱۶ نفر در دور دوم (پرسش‌نامه دلفی) و دور سوم (پرسش‌نامه دلفی) در پژوهش مشارکت کردند که از این تعداد، نه نفر استاد دانشگاه، هفت نفر روحانی و هفت نفر کارکنان نیروی انتظامی بودند.

-
1. Loo
 2. Brady

در ابتدا از پرسش‌نامه مبتنی بر رویکرد دلفی برای تعیین گویه‌های موردنظر استفاده شد. بدین‌منظور در مرحله اول از مشارکت‌کنندگان خواسته شد گویه‌های موردنظر را بیان کنند. علاوه‌براین، از پیشینه پژوهش (جدول شماره یک) و مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصان استفاده شد و در نتیجه، گویه‌های استخراج‌شده حاصل از مصاحبه‌ها نیز مطرح شد که بین اعضای پانل دلفی توزیع شد و نظرهای آنان به‌دست آمد. در مراحل دوم و سوم پرسش‌نامه، پس از انجام‌شدن اصلاحات و دریافت بازخورد پاسخ مشارکت‌کنندگان (میانگین و نظر آنان)، دوباره پرسش‌نامه بین آنان توزیع شد.

در دور اول تعداد مشارکت‌کنندگان ۲۳ نفر بود که این میزان در دوره‌های دوم و سوم به ۱۶ نفر کاهش یافت. روش دلفی عبارت است از بررسی و جمع‌آوری نظرهای کارشناسان در زمینه‌های خاص از طریق پرسش‌نامه. اگر اتفاق آراء یا تبادل نظر در بین کارشناسان وجود نداشته باشد، پژوهشگر میانگین ۵۰ درصد از نتیجه را به‌عنوان نظر جمعی انتخاب می‌کند. اگر این نتیجه با استاندارد همگرایی مطابق نباشد، بررسی و جمع‌آوری نظرها باید تکرار شود تا بتوان به استاندارد مطلوبی دست پیدا کرد (وو و فونگ^۱، ۲۰۱۱). همگرایی یکی از مفاهیم اساسی دلفی است. همگرایی درجه‌ای از توافق در تصمیم‌موردنظر است (دورو^۲، ۲۰۱۲). در این راستا، برای تعیین درجه همگرایی و توافق بین افراد در مورد شاخص‌های به‌کاررفته، از ضریب همابستگی کندال^۳ استفاده شد. این مقیاس برای مطالعات مربوط به بررسی دیدگاه خبرگان به‌ویژه دلفی مفید است. مقدار مقیاس بین صفر تا یک است. مقدار مقیاس هنگام توافق کامل برابر با یک و در زمان نبود توافق کامل، برابر با صفر است. شایان ذکر است که برای اعضای پانل دلفی بیشتر از ۱۰ نفر، حتی مقادیر بسیار کوچک این ضریب نیز معنادار است (وو و فانگ، ۲۰۱۱). برای به‌دست‌آوردن ضریب همابستگی کندال از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۴ نسخه ۲۴ استفاده شد. میزان ضرایب همابستگی کندال در دور سوم به میزان $Kendall W = 0/4114$ ، $\chi^2 = 137/9694$ و معنادار ($P \leq 0/001$) برای موانع بود که این مقیاس با توجه به تعداد اعضای دور سوم دلفی (۱۶ نفر) نشان‌دهنده میزان نسبتاً مناسبی از توافق بود.

پیش از آنکه مطالعه کیفی روایی داشته باشد، باید اعتمادپذیر باشد. وقتی یک مطالعه اعتمادپذیر است که افراد معقول‌بودن و درستی یافته‌ها را در زمینه اجتماعی خود تشخیص دهند. یکی از

-
1. Wu & Fong
 2. Duru
 3. Kendall's Coefficient of Concordance (W)
 4. SPSS

روش‌های اعتمادپذیری، به‌کاربردن راهبردهای گوناگون مانند اجماع سه‌سویه^۱ (اجماع روش‌شناسی)، بررسی توسط اعضاء و کسب اطلاع از همگنان است (هومن، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، در این پژوهش به‌منظور تحقق این هدف از اجماع سه‌سویه در روش جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد که شامل بررسی اسناد و مدارک (ماده‌های ۸۹ و ۱۰۳ حقوق شهروندی، بند ۱۴ اصل سوم، اصول بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی، بندهای ۵۳ و ۵۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران)، مطالعات گذشته (جدول شماره یک)، مصاحبه (تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها به‌منظور به‌دست‌آوردن معیارها) و درنهایت، پرسش‌نامه دلفی بود. درواقع، استفاده از پرسش‌نامه دلفی، به‌همراه استفاده از مصاحبه همراه با حداقل دو نوع نمونه مستقل می‌تواند اعتمادپذیری را افزایش دهد (لو، ۲۰۰۲)؛ براین‌اساس، افراد درگیر در پیل دلفی، بیش از دو نوع بودند که شامل متخصصان حوزه ورزش، متخصصان دینی و حوزه نیروی انتظامی بودند که به‌صورت علمی یا عملی با فرایند مدیریتی ورزشی، رویکردهای مذهبی و حوزه‌های تأمین نظم در ارتباط بودند. وابستگی و اتکاپذیری، جانشینی برای پایایی است و مقصود آن است که خوانندگان گزارش پژوهشی می‌توانند مناسبت و کفایت تحلیل را از طریق پیگیری فرایندهای تصمیم‌گیری ارزیابی کنند. درواقع، اتکاپذیری تغییر تفکر درباره طرح سنتی‌تر و آزمایشی به‌شدت کنترل‌شده‌تر است. طرح‌های آزمایشی بر کنترل یعنی تثبیت چیزها تأکید دارند، اما در دنیای واقعی که یک محیط طبیعی برای پژوهش کیفی است، انتظار تغییر وجود دارد و بنابراین، تکرار پژوهش مسئله‌ساز خواهد بود (هومن، ۲۰۱۱). به‌منظور حصول اتکاپذیری، روش دلفی در سه دور اجرا شد.

پس از به‌دست‌آوردن موانع حاصل از رویکرد کیفی، پرسش‌نامه فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی^۲ بین ۱۶ نفر از مشارکت‌کنندگان توزیع شد که درنهایت ۱۱ نفر به این پرسش‌نامه پاسخ دادند. این پرسش‌نامه برای مقایسه زوجی بین گزینه‌ها استفاده می‌شود. برای هر سطح از سلسله‌مراتب، یک پرسش‌نامه خبره تهیه می‌شود که در این راستا از طیف یک تا نه استفاده شد. روش تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از معروف‌ترین فنون برای اولویت‌بندی در علم مدیریت است که نخستین بار ساعتی^۳ آن را در دهه ۱۹۷۰ ابداع کرد. در پرسش‌نامه طراحی‌شده براساس جدول مقیاس‌های یک تا نه ساعتی باید به هر سؤال امتیازی بین اعداد یک تا نه داده شود. نمره یک نمایانگر اهمیت یکسان دو عنصر است و نمره نه نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد یک عنصر در مقایسه با عنصر دیگر است (قدسی‌پور، ۲۰۰۲).

-
1. Triangulation
 2. Analytical Hierarchy Process
 3. Satty

لازم است ذکر شود این پژوهش به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است و بازه گردآوری داده‌ها بین فروردین ۱۳۹۷ تا آبان ۱۳۹۷ بوده است.

نتایج

براساس یافته‌ها، ۱۷/۴ درصد از زنان و ۸۲/۶ درصد از مردان تشکیل دادند. ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان بیشتر از ۳۵ سال و ۳۹ درصد از آن‌ها کمتر از ۳۵ سال سن داشتند. در مجموع، میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۷/۷ درصد محاسبه شد. توزیع درصد میزان تحصیلات نمونه‌ها نشان داد که ۱۷/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی، ۳۰/۴ درصد دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و ۵۲/۲ درصد از آن‌ها دارای مدرک دکتری بودند. توزیع درصدی نوع گرایش تحصیلی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که گرایش تحصیلی ۴۷/۷ درصد تربیت‌بدنی و ۵۲/۳ درصد غیر تربیت‌بدنی بود. ۶۹/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه مدیریتی بودند و ۳۰/۴ درصد از آن‌ها سابقه مدیریتی نداشتند.

این موانع در سه دور مرحله دلفی بررسی شدند. بعد از شمارش پاسخ‌ها، میانگین و انحراف استاندارد دور دوم و سوم دلفی به دست آمد که در جدول شماره دو نشان داده شده است.

جدول ۲- میانگین دور دوم و دور سوم دلفی برای موانع حضور زنان در ورزشگاه‌ها

معیارها	گویه‌ها	دور دوم		دور سوم	
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
سیاسی	۱	۳/۸۱	۱/۱۸	۳/۸۷	۰/۸۸
	۲	۳/۳۱	۱/۲۱	۳/۶۸	۰/۷۹
	۳	۳/۷۶	۱/۳۷	۳/۷۵	۰/۶۸
	۴	۳/۲۸	۱/۰۵	۳/۶۸	۰/۹۴
	۵	۳/۴۵	۱/۳۳	۳/۰۰	۰/۹۶
امنیتی	۶	۴/۰۰	۰/۳۳	۴/۱۲	۰/۸۰
	۷	۳/۰۰	۰/۳۳	۳/۶۸	۰/۲۵

ادامه جدول ۲- میانگین دور دوم و دور سوم دلفی برای موانع حضور زنان در ورزشگاه‌ها

معیارها	گویه‌ها	دور دوم	دور سوم		معیارها
			میانگین معیار	انحراف معیار	
فرهنگی-اجتماعی	۸	تضاد بین نهادهای مذهبی و دولتی در خصوص حضور زنان در ورزشگاه‌ها	۳/۷۲	۱/۳۱	۳/۷۵
	۹	احتمال وجود پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی	۳/۸۶	۱/۱۲	۳/۹۳
	۱۰	ساختار فرهنگی در جامعه کنونی	۳/۵۹	۱/۰۹	۴/۰۰
	۱۱	ضعف عملکردی در فرهنگ‌سازی	۳/۰۰	۱/۳۸	۴/۰۶
	۱۲	نگرش نامساعد برخی از خانواده‌ها به حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی به‌عنوان تماشاگر	۳/۳۱	۱/۲۴	۳/۶۸
	۱۳	فقدان آگاهی‌های اجتماعی دربارهٔ پیامدهای حضور نداشتن زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر	۳/۶۰	۱/۱۴	۳/۴۳
	۱۴	تعارض و اختلاف فرهنگی-طبقاتی بین خانواده‌ها	۳/۲۳	۱/۱۱	۳/۵۰
	۱۵	قلمداد کردن ورزش‌هایی مانند فوتبال به‌عنوان قلمرویی مردانه از طرف رسانه‌ها	۲/۹۸	۱/۱۱	۳/۰۰
	۱۶	فقدان زیرساخت‌ها در کشور برای سهولت حضور زنان در ورزشگاه‌ها	۴/۱۴	۰/۹۶	۳/۸۷
	۱۷	مناسب نبودن فضای ورزشگاه‌ها برای حضور زنان به‌عنوان تماشاگر	۳/۹۵	۱/۰۲	۳/۵۰
	۱۸	برخوردار نبودن زنان از امکانات ورزشی برابر در ورزشگاه‌ها	۳/۴۷	۱/۱۲	۳/۷۵
	۱۹	نبود یک ساختار مشخص در ورزش زنان	۳/۵۷	۱/۲۸	۳/۷۵
	۲۰	ناکارآمدی دستگاه‌های مدیریتی در فراهم کردن زیربنای حقوقی و ساختاری برای حضور زنان در ورزشگاه به‌عنوان تماشاگر	۴/۱۴	۰/۹۱	۴/۱۸

فرهنگی-اجتماعی

زیرساختی

مدیریتی

ادامه جدول ۲- میانگین دور دوم و دور سوم دلفی برای موانع حضور زنان در ورزشگاهها

معیارها	گویه‌ها	دور سوم		دور دوم	معیارها
		انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار		
سازمانی	۲۱	۴/۱۵	۰/۸۱	بهبود تراشی مدیران به دلایل گوناگون پاک کردن صورت مسئله و	سازمانی
	۲۲	۴/۳۳	۰/۷۳	کم‌اهمیت دانستن موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها به جای حل مسئله و اندیشیدن به آن	
	۲۳	۳/۸۵	۱/۰۶	در اولویت ندانستن موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر از سوی مدیران	
	۲۴	۳/۷۶	۱/۲۲	نگرش مدیران غیرورزشی به ورزش به‌عنوان نیایدها و ناهنجاری‌ها آگاهی نداشتن مدیران از پیامدهای	
	۲۵	۳/۲۱	۱/۲۲	مثبت حضور زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر	
اقتصادی*	۲۶	-	-	میزان توان و قدرت اقتصادی خانوارها	اقتصادی*
	۲۷	-	-	نوع نگرش سرپرستان خانواده‌ها به هزینه‌های ورزشی فرزندان دختر و پسر	
	۲۸	-	-	سهم اندک بانوان در سبد اقتصادی خانوار	

* معیار حذف‌شده در پرسش‌نامه دلفی براساس توافق اندک و نظرهای متخصصان مبنی بر حذف این معیار و گویه‌های آن در دور دوم دلفی

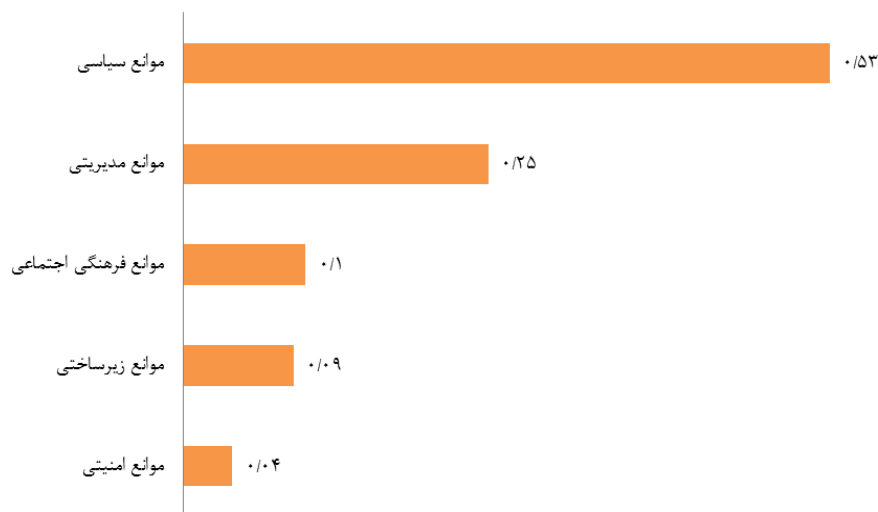
براساس یافته‌های حاصل از تحلیل موانع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی، میانگین موزون مؤلفه‌های موانع حضور زنان توسط نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ (نسخه ۱۱) اولویت‌بندی شد. نرخ ناسازگاری پرسش‌نامه فرایند تحلیل سلسله مراتبی نیز تأیید شد؛ براین اساس، مؤلفه سیاسی با میانگین وزن ۰/۵۲۵ بالاترین اولویت را در بین سایر مؤلفه‌ها داشت. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها براساس مقایسه‌های زوجی دوبه‌دو و به‌صورت متناظر صورت گرفته است. پس از موانع سیاسی، موانع

1. Expert Choice

مدیریتی با میانگین وزن ۰/۲۴۹ در اولویت دوم قرار گرفتند. همچنین، موانع فرهنگی-اجتماعی با میانگین وزن ۰/۱۰۴ در اولویت سوم، موانع زیرساختی با میانگین وزن ۰/۰۸۶ و موانع امنیتی با میانگین وزن ۰/۰۳۵ در اولویت آخر قرار گرفتند که در جدول شماره سه نشان داده شده است. خروجی نرم‌افزار اکسپرت چویس نیز در شکل شماره یک نشان داده شده است.

جدول ۳- مؤلفه‌ها و وزن مؤلفه‌های موانع حضور زنان

رتبه	وزن معیارها	معیارها
۱	۰/۵۲۵۰	سیاسی
۲	۰/۲۴۹	مدیریتی
۳	۰/۱۰۴	فرهنگی-اجتماعی
۴	۰/۰۸۶	زیرساختی
۵	۰/۰۳۵	امنیتی



شکل ۱- نمودار وزنی موانع حضور زنان در ورزشگاه‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

پیامدهای ورزش، تلاش برای رسیدن به اهداف ویژه‌ای از جمله انسجام اجتماعی و رسیدن به آموزش جهانی است. در این زمینه، یونسکو در سال ۱۹۷۸ ورزش و تربیت‌بدنی را به‌عنوان حقوق اساسی برای همه توصیف کرد (بوتلر، ۲۰۰۸، ۳۵۹). آنچه امروز در جهان ورزش مشاهده می‌شود،

پوشش ۹۰ درصدی اخبار، روزنامه‌ها و گفت‌وگوها دربارهٔ مردان ورزشکار است تا زنان. با وجود این واقعیت که زنان بیشتری نسبت به هر زمان دیگری به‌عنوان مشارکت‌کننده در مجموعه‌های ورزشی حضور دارند، اما در مقالات زیادی به نقش ورزش در زندگی مردان پرداخته شده است، به‌جای اینکه به‌صورت برابر و حتی بیشتر به نقش و اهمیت ورزش برای زنان پرداخته شود (پوپ^۱، ۲۰۱۳)؛ از این رو، پژوهشگران به موانع و چالش‌های پیش روی زنان در ورزش توجه کرده‌اند که یکی از این موانع در ایران، حضور نداشتن زنان در استادیوم‌های فوتبال است. این مطالعه نیز با هدف بررسی موانع حضور زنان در استادیوم‌های فوتبال انجام شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، مدیریتی و زیرساختی از جمله موانع حضور زنان در ورزشگاه‌ها بودند. از جمله مؤلفه‌های سیاسی، نوع و نگرش حاکمیت به حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی و تلقی کردن حضور زنان به‌عنوان مسئله‌ای سیاسی، تناقض رفتاری و عملکردی سیاست‌مداران و استفادهٔ سیاسی از حضور داشتن زنان در ورزشگاه‌ها توسط افراد و نهادها بود. این نتایج با پژوهش‌های ملکوتیان (۲۰۱۰)، مومنی، همتی و مرادی (۲۰۱۳) و فخار طوسی (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در این راستا به‌نظر می‌رسد تصمیم‌گیری مسئولان به دور از هیاهوی سیاسی، توجه به قانون اساسی و ایفای تعهدات دولت به قانون اساسی به‌عنوان مجری اجرای قوانین، زمینه را برای حضور بانوان و حمایت از حقوق آن‌ها فراهم می‌کند؛ بنابراین، نمی‌توان نقش تصمیم‌گیری‌های سیاسی را در ورزش نادیده گرفت؛ به‌عنوان مثال، ملکوتیان (۲۰۱۰) به نقش و ارتباط دوجانبهٔ ورزش و سیاست اشاره کرده و بیان کرده است که سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبردهای ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر، ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد. علاوه بر این، ورزش در زمان برگزاری ورزش‌های بین‌المللی مورد استفادهٔ قدرت‌های جهانی واقع می‌شود. دولتمردان در نظام‌های ایدئولوژیک در ورزش، به دنبال برقراری ارتباط بین نظام سیاسی و ایدئولوژی حاکم هستند؛ در نتیجه، گفتمان حاکم با نگاه سنتی به ورزش زنان پیش می‌رود. به‌نظر می‌رسد بهتر است در نگرش مدیران و سیاست‌مداران به ورزش زنان در ایران به‌عنوان نیمه‌ای از جامعه که تا سده‌های اخیر معمولاً نه موضوع تحول و تغییر بوده‌اند و نه منشأ تغییر، تجدیدنظر شود؛ زیرا، اگر در جامعه‌ای مجموعهٔ باورها و نگرش‌ها به زنان با نیازهای آن‌ها سازگار نباشد و مجموعهٔ برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی اعتقادی به نقش مؤثر زنان در همهٔ ارکان جامعه و به‌تبع آن در فرایند توسعه‌یافتگی نداشته باشند، ورزش زنان و حضور آنان در ورزش در حد حرف و شعار باقی خواهد ماند (حسین‌زاده، ۲۰۱۵)؛ در نتیجه، به‌نظر می‌رسد باید نوع نگاه مدیران و سیاست‌مداران

1. Pope

حاکم در پست‌های رده بالای کشور به موضوع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی تغییر یابد. این بدان معنی نیست که ورزش باید بدون سیاست پیش رود؛ بلکه ورزش با سیاست و راهبردهای آگاهانه باید در کشور جایگزین شود؛ نه اینکه ورزش در دامان سیاسی‌کاری‌ها گرفتار شود.

ازجمله موانع دیگر، موانع مدیریتی است که شامل این موارد می‌شود: ناکارآمدی دستگاه‌های مدیریتی در فراهم کردن زیربنای حقوقی و ساختاری برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها، بهانه‌تراشی مدیران به دلایل گوناگون، پاک کردن صورت مسئله و کم‌اهمیت دانستن موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها به جای حل مسئله و اندیشیدن به آن، در اولویت ندانستن موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها از سوی مدیران، نگرش مدیران غیرورزشی به ورزش به‌عنوان نبایدها، ناهنجاری‌ها و آگاهی‌نداشتن مدیران از پیامدهای مثبت حضور زنان در ورزشگاه‌ها. این نتایج با پژوهش‌های مومنی، همتی و مرادی (۲۰۱۴)، احمدی و رضوی (۲۰۱۵) و فخار طوسی (۲۰۱۸) همخوانی دارد و با پژوهش رحمانی‌نیا، رضانی‌نژاد و سلطانی (۲۰۰۴) که به برخی اثرهای منفی حضور تماشاگران زن اشاره کرده‌اند، ناهمخوان است. دلیل این ناهمخوانی ممکن است نوع ورزش مورد مطالعه (بسکتبال) در پژوهش آن‌ها باشد. همچنین، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش هیلمن و کالو (۲۰۱۸) ناهمخوان است. از دیدگاه هیلمن و کالو (۲۰۱۸)، عوامل مؤثر در مبارزه علیه تبعیض جنسیتی فراتر از بحث‌های مدیریتی است و به‌نوعی ابهام و وجود کلیشه‌های جنسیتی و ادراک افراد از آن را عامل اساسی در چنین تصمیم‌گیری‌هایی معرفی کردند؛ اما به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد در میان هیاهوی موجود در زمینه ورود مخفیانه زنان با پوشش و ظاهر مردانه به استادیوم‌ها، اعتراض زنان با عنوان بی‌عدالتی لحاظ‌شده در حقشان، جریمه‌های اعمال‌شده توسط فدراسیون‌ها و نهادهای ورزشی به‌دلیل اجازه‌ندادن زنان ایرانی برای ورود به ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر مسابقات مردان و ...، مسئولان و مدیران ذی‌ربط هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و برخورد آن‌ها نمایانگر این امر است که اصلاً مسئله‌ای وجود ندارد که نیازی به حل کردن آن باشد؛ این درحالی است که در رابطه با مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی، سیاست‌مداران در انگلستان برای تدوین فرهنگ ورزشی در سال ۱۹۹۴ برنامه‌ای را تدوین کردند که هدف آن ایجاد ارزش و دستاوردهایی برای زنان در تمام زمینه‌های ورزشی بود. یکی از موضوعات محوری این برنامه، برابری و عدالت در جامعه، توسعه مشارکت، آموزش، تمرین و توسعه، اطلاعات ورزشی و هماهنگی ملی و بین‌المللی بود (هیلتون^۱، ۲۰۰۱، ۳۴). شاید از دید برخی از مدیران، حضور زنان در ورزشگاه‌ها موضوعی فرعی باشد و اولویت خیلی بالایی نداشته باشد، ولی عده‌ای به‌دنبال بهره‌برداری از آن هستند. در این راستا، نظام جمهوری اسلامی، کنش خاصی را در عرصه ورزش زنان انجام نداده است (فاضلی، ۲۰۱۲، ۱۵۱)؛ زیرا، در

1. Hylton

بخش حضور زنان به‌عنوان تماشاگر مسابقات ورزشی دارای محدودیت خاصی است و همچنان این موضوع مورد بحث در محافل مذهبی، دولت و قوه قضائیه است؛ در نتیجه، تناقض‌های رفتاری مدیران در این خصوص بسیار زیاد است؛ به‌عنوان مثال، آن‌ها اجازه حضور زنان سایر کشورها را در ورزشگاه‌ها صادر می‌کنند؛ در حالی که تماشاگران زن ایرانی برای تماشای همان مسابقات اجازه ورود به ورزشگاه‌ها را ندارند.

سومین مانع تعریف‌شده در این پژوهش، موانع فرهنگی-اجتماعی بود که شامل این موارد بود: تضاد بین نهادهای مذهبی و دولتی در خصوص حضور زنان در ورزشگاه‌ها، احتمال وجود پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی، ساختار فرهنگی جامعه کنونی، ضعف عملکردی در فرهنگ‌سازی، نگرش نامساعد برخی از خانواده‌ها به حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی، فقدان آگاهی‌های اجتماعی در مورد پیامدهای حضور نداشتن زنان در ورزشگاه‌ها، تعارض و اختلاف طبقاتی-فرهنگی بین خانواده‌ها و قلمداد کردن ورزش‌هایی مانند فوتبال به‌عنوان قلمروی مردانه از طرف رسانه‌ها. این نتایج با پژوهش‌های قراخلو و همکاران (۲۰۰۸)، ابراهیمی، عسکری و نیک‌نژاد (۲۰۱۰)، مومنی، همتی و مرادی (۲۰۱۳)، احمدی، رضانی‌نژاد، برومند و قادری (۲۰۱۵)، احمدی و رضوی (۲۰۱۵) و لیچفیلد، کاواناف، ازبرن و جونز (۲۰۱۸) همخوانی دارد. به‌نظر می‌رسد می‌توان از طریق ورزش آموزش‌هایی را در راستای ارتقای فرهنگ تماشاگران ارائه کرد که ازجمله آموزش‌ها می‌تواند رعایت شیون اجتماعی و فرهنگی توسط زنان و مردان باشد. قراخلو و نیسیان (۲۰۰۸) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که انتظار می‌رود رسانه‌ها در ایجاد زمینه مناسب و فرهنگ‌سازی برای رسیدن زنان به حقوق خود نقش مؤثری را ایفا کنند. درصد زیادی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، تعیین مکان مناسب و ویژه برای خانواده‌ها و زنان را مناسب دانستند؛ حتی تماشای نوبتی مسابقات نظر بسیاری از آن‌ها را به خود جلب کرد که نتایج این پژوهش نیز می‌تواند هم‌راستا با رفع نگرانی موجود در خصوص پرخاشگری مردان در ورزشگاه‌ها باشد. در این‌راستا، مومنی، همتی و مرادی (۲۰۱۳) از موانع پیش روی زنان در انجام دادن فعالیت‌های ورزشی، بی‌توجهی مسئولان به ورزش زنان و وجود فرهنگ مردمحوری را شناسایی کردند. به‌دلیل ذات ورزش و روحیه رقابت‌طلبی و هیجانی موجود در آن از یک‌سو و از سوی دیگر، مخاطبان آن که بیشتر، جوانان‌اند که دارای انرژی، هیجان و شور و شغف فراوانی هستند، پرخاشگری پدیده‌ای شایع در تمامی محیط‌های ورزشی است که در سراسر دنیا نیز مشاهده می‌شود.

یکی دیگر از نتایج پژوهش، موانع زیرساختی بود. ازجمله این موانع، نبود زیرساخت‌ها در کشور برای سهولت حضور زنان در ورزشگاه‌ها و برخوردار نبودن زنان از امکانات ورزشی برابر در ورزشگاه‌ها بود. این یافته با پژوهش‌های اتقیا (۲۰۰۷)، المیری، نادریان جهرمی، سلطان حسینی و نصر فراهانی

(۲۰۰۹)، مومتمنی، همتی و مرادی (۲۰۱۳)، نادری، شهبازی و اکبری (۲۰۱۴) و احمدی، رضانی-نژاد، برومند و قادری (۲۰۱۵) همخوانی دارد. با توجه به زیرساخت‌های موجود در ورزشگاه‌های ایران، به‌نظر می‌رسد مسائل مربوط به زیرساخت عینی است؛ که این موضوع احتمالاً با گویه امنیت زنان تماشاگر در ورزشگاه‌ها مرتبط است. پژوهش باتمانی و سجادزاده (۲۰۱۷) گویای وجود موانع زیرساختی برای حضور زنان در اماکن ورزشی است. به‌نظر می‌رسد لزوم توجه به زیرساخت‌ها و فراهم کردن امکانات مناسب برای حضور زنان، مقدمه‌ای برای مدیریت و برنامه‌ریزی حضور زنان در ورزشگاه‌ها باشد. احمدی، رضانی‌نژاد، برومند و قادری (۲۰۱۵) نیز به گویه اقتصادی اشاره کرده‌اند که منظور از گویه اقتصادی، رویکردهای زیرساختی مناسب برای حضور زنان است.

مانع امنیتی شامل به‌مخاطره‌افتادن امنیت حضور زنان در ورزشگاه‌ها، رفتارهای ناپه‌نجان اخلاقی زنان و آقایان و بزرگ‌نمایی ناتوانی در کنترل ورزشگاه‌ها بود. این یافته با پژوهش‌های مادسن و اک (۲۰۰۸)، باتمانی و سجادزاده (۲۰۱۷) و شادمنفات، کوکران، مونیز و کبیری (۲۰۱۸) همخوانی دارد. به‌نظر می‌رسد موانع امنیتی، ساختاری و مدیریتی عواملی درهم‌تنیده‌اند که به‌عنوان مثال، زیرساخت‌های نامناسب و مدیریت نامناسب استادیوم‌های ورزشی زمینه را برای ایجاد ناامنی و آشوب برخی تماشاگران فراهم می‌کنند. باتمانی و سجادزاده (۲۰۱۷) به بررسی ارتقای حضورپذیری زنان در فضای ورزشی با رویکرد توسعه امنیت اجتماعی پرداختند و امنیت را یکی از موضوعات مهم به‌منظور حضور زنان در ورزش در نظر گرفتند. به‌نظر می‌رسد فضای کنونی ورزشگاه‌ها برای حضور زنان مناسب نباشد، ولی با برنامه‌ریزی می‌توان امنیت ورزشگاه‌ها را همچون سایر اماکن عمومی که زن و مرد بدون هیچ اختلاطی و در فضایی امن، امورات خود را می‌گذرانند، تأمین کرد. در این راستا، آموزش و تربیت در اصلاح و ایجاد هنجارهای اخلاقی مناسب بسیار اهمیت دارد. در واقع، لازم است از طریق روش‌های تعلیم و تربیت مناسب، اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و ایجاد سرمشق مناسب در این زمینه بتوان مانع از بروز رفتارهای نامناسب در فضاهای ورزشی شد تا زمینه ورود زنان به ورزشگاه‌ها را در محیطی امن و مناسب مهیا کرد.

اولویت‌بندی موانع نیز نشان داد که مهم‌ترین مانع حضور زنان در ورزشگاه به‌عنوان تماشاگر، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و در اولویت بعدی موانع مدیریتی قرار گرفت. به‌نظر می‌رسد با توجه به ورود و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران در بسیاری از حوزه‌های نامرتبب همچون ورزش، حتی مسائل زنان در حوزه ورزش نیز سیاست‌زده شده است که این امر ورزش را در تقابل با تربیت‌بدنی قرار می‌دهد. با توجه به اینکه ورزش از جمله موضوعاتی است که هم می‌تواند یک فرصت و هم یک تهدید تلقی شود، بهتر است که آن را از امور سیاسی جدا کرد؛ زیرا، سلامت جامعه شهری و شهروندان در گرو پرداختن به ورزش در محیطی ایمن و فارغ از هر دغدغه‌ای است. به‌نظر می‌رسد حضور مدیران

ورزشی، راهاندازی اتاق‌های فکر با حضور و تعامل مراجع دینی، قضایی و دولتی، فراهم کردن زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری می‌تواند زمینه را برای حضور زنان ایرانی همراه با رعایت موازین اجتماعی و اسلامی فراهم آورد. آنچه درخور توجه است این است که موانع امنیتی در اولویت آخر قرار گرفتند که نشان می‌دهد حضورنداشتن زنان در ورزشگاه‌ها نمی‌تواند تنها به دلیل ناامنی و جو نامناسب ورزشگاه‌ها باشد.

از پیامدهای سیاسی حضور زنان کاهش فشارهای بین‌المللی در برگزاری رویدادهای جهانی، ارتقای جایگاه سیاسی دموکراسی در منطقه و جهان، کاهش شکاف بین دولت و خواسته مردم، کاهش فشارهای سیاسی در زمینه نقض حقوق بشر و ایجاد برابری و مساوات بین زن و مرد در بخش ورزش بود. کشاورز، فراهانی، رضائی صوفی و زکائی (۲۰۱۶) در تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های دریافت میزبانی رویدادهای بین‌المللی ورزشی، یکی از تهدیدهای میزبانی رویدادهای بین‌المللی را محدودیت حضور زنان به‌عنوان تماشاگر در ورزشگاه‌ها ذکر کردند. از سوی دیگر، بعضی از سازمان‌های حقوق بشری نیز با استناد به محرومیت زنان ایرانی از حضور در ورزشگاه‌ها، ایران را به نقض آزادی، برابری و حقوق بشر محکوم کرده‌اند و در واقع، این مسئله به چماقی بر سر ایران در جوامع بین‌المللی و سیاسی تبدیل شده است؛ این در حالی است که کشورهای مسلمان همسایه ایران که در بیشتر رشته‌های ورزشی سطح پایین‌تری از ایران دارند، محدودیت زنان در ورزشگاه‌ها را از پیش روی خود برداشته‌اند و حتی شاهد آن هستیم که توانستند میزبانی مسابقات مهمی همچون جام جهانی را کسب کنند؛ براین اساس، به نظر می‌رسد این مسئله جدای برخی از اعتراضات داخلی، به موضوع جدی امنیتی و حیثیتی نیز برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است و برخی هزینه‌های سیاسی را نیز بر کشور تحمیل می‌کند. در واقع، حضور زنان و خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها با رعایت ارزش‌های عرفی نه تنها امنیت اجتماعی را به‌خطر نمی‌اندازد، بلکه ضامن امنیت ملی مردم است و نشاط اجتماعی، رضایتمندی و احساس برابری نیز امنیت ملی را می‌سازد. شایان ذکر است که فراهم کردن شرایط موردنیاز و درعین حال توجه به ارزش‌های والای اسلامی و اخلاقی از سوی جامعه با ایجاد بستر لازم برای نهادینه‌شدن فرهنگ ایرانی-اسلامی باعث می‌شود که زنان جامعه از حضور در ورزشگاه‌ها و استادیوم‌های ورزشی محروم نشوند.

آنچه تاکنون در پژوهش‌های متعدد بررسی شده است، تأثیر حضور تماشاچیان زن در مسابقات ورزشی و عوامل مؤثر در حضور زنان در ورزشگاه‌هاست و به‌صورت پراکنده نیز به مطالعه نگرش به حضور زنان در ورزشگاه‌ها پرداخته شده است. نتایج این مطالعات حاکی از وجود عوامل پراکنده در زمینه حضور زنان در ورزشگاه‌ها بود و اینکه در پژوهش‌ها به‌صورت شفاف به بررسی موانع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی پرداخته نشده است.

در این پژوهش علاوه بر نظرسنجی و بررسی دیدگاه‌های متخصصان از رشته‌های متفاوت و نیز دسته‌بندی موانع حضور زنان در ورزشگاه‌ها، به اولویت‌بندی موانع پرداخته شد. نکته درخور توجه این است که برخلاف نظر مدیران و مسئولان، موانع امنیتی از نظر اولویت در جایگاه آخر و موانع سیاسی در اولویت نخست قرار گرفتند که این موضوع می‌تواند راهکارهای متناسب با موانع را با حساسیت بیشتری مورد تأکید قرار دهد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش، مشارکت نکردن متخصصان امر به‌ویژه زنان و نیز مسئولان و مدیران فدراسیون فوتبال در این پژوهش بود. علاوه بر این، به پژوهشگران استفاده از روش پژوهش کمی و رویکرد پیمایشی به‌منظور تعمیم‌پذیری نتایج پیشنهاد می‌شود.

References

1. Ahmadi, A. (2013). Sports, Politics, International Relations, Eastern Daily Page 18, Sports. Available at: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3112832> (Accessed 8 August 2018) (Persian).
2. Ahmadi, F, Ramezani Nejad, R. Boroumand, M.R., & Qaderi, S.N. (2015). Investigating the Factors Affecting the Attendance of Female Spectators in Iranian sports stadiums. Paper presented at the First National Congress of Sports Science Developments in the Field of Health, Qazvin, Imam Khomeini international university. (Persian).
3. Ahmadi, F., & Razavi, S. M. H. (2015). An investigation into the cultural-social, economic, administrative and civil-law aspects of the presence of female spectators in Iranian sport stadiums. *International Journal of Sport Studies*, 5(5), 570-5.
4. Atghiya, N. (2007). Needs assessment of different groups of Iranian women in sports. *Research in Sport Sciences*, 17, 15-31. (Persian).
5. Bailey, R., Wellard, I., & Dis-more, H. (2004). Girls' participation in physical activities and sports: Benefits, patterns, influences and ways forward. Centre for physical Education and Sport Research. United Kingdom: Canterbury Christ Church University College. Available at: <http://www.icsspe.org/portal/download/Girls.pdf?PHPSESSID=002ba9b543c789519ae82d8eaf0862b8> (Accessed 18 sep 2019).
6. Bardy, S. R. (2015). Utilizing and adapting the Delphi method for use in qualitative research. *International Journal of Qualitative Methods*, 1, 1-6.
7. Batmani, A., & Sajjadzadeh, H. (2017). Promotion of women's attendance in sport space with social security development approach (Case study: Toos Nozar Jungle Park Sanandaj). Paper presented at the International Congress on Contemporary World Architecture and Urban Planning, Tehran. (Persian).
8. Beutler, I. (2008). Sport serving development and peace: Achieving the goals of the United Nations through sport. *Sport in Society*, 11(4), 359-69

9. Blau, F. D., & Kahn, L. M. (2017). The gender wage gap: Extent, trends, and explanations. *Journal of Economic Literature*, 55(3), 789–865.
10. Dixon, C. (2018). Exploring the experience of women in sport leadership and management. *University Research Symposium*. Available at: https://ir.library.illinoisstate.edu/rsp_urs/45 (Accessed 19 sep 2019)
11. Dosh, K. (2012). NFL may be hitting stride with female fans. ESPN. Available at: <http://espn.go.com/espnw/news-commentary/article/7536295/nfl-finding-successtargeting-women-fans-merchandise-fashion> (Accessed 19 sep 2019)
12. Duru, O. (2012). A fuzzy extended DELPHI method for adjustment of statistical time series prediction: An empirical study on dry bulk freight market case. *Expert Systems with Applications*, 39(1), 840-8.
13. Ebrahimi, G., Askari, A., & Niknejad, M. R. (2010). Sociological study of factors affecting women's tendency toward participation in sport as a spectator. *Research Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 6(11), 61-74. (Persian).
14. Elmira, M., Naderyan Jahromi, M., Soltanhosseini, M., & Nasresfahani, A. R. (2009). Examining the factors affecting the excitement of soccer players in stadiums. *Sports Management Journal*, 3, 73-61. (Persian).
15. Fakhar Tusi, J. (2018). The presence of women in the stadiums. Islamic juridical research, Research Project, Islamic research and culture affiliated to the Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary, commissioned by the Presidential Strategic Studies Center. (Persian).
16. Fazeli, H. (2012). Sports and identity politics. *Political Science Journal*, 7 (2), 151-74. (Persian).
17. Gharakhanlou, R., & Neissan, F. (2008). Investigating the attitudes of different classes about the presence of female spectators in men's sports fields and competitions. *Research in Sport Sciences*, 17, 33-50. (Persian).
18. Ghodsi Pour, H. (2002) Analytical hierarchy process (4th ed.). Tehran: Amirkabir University of Technology Press. (Persian).
19. Harrison, C. K., Bukstein, S., Botts, G. M., & Lawrence, S. M. (2016). Female spectators as customers at National Football League game. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 17(2), 172-200.
20. Heilman, M. E., & Caleo, S. (2018). Combating gender discrimination: A lack of fit framework. *Group Processes & Intergroup Relations*, 21(5), 725–44.
21. Hooman, H. A. (2011). Practical guide to qualitative research (4th ed.). Tehran: Human Sciences Books Reading and Writing Organization. (Persian).
22. Hossein Zadeh, M. (2015). The need to change the society's perspective on women empowerment, *The World Economy*, No. 3686. Available at: <https://www.donya-e-eqtesad.com/en/tiny/news-3283332> (Accessed 8 August 2018). (Persian).
23. Hylton, K. (2001). *Sport development: Policy, process, and practice*. London, New York: Routledge.

24. Islamic Consultative Assembly. (2017). Elective attendance of women at the stadium, the free entrance of women to the stadiums. Available at: <http://www.icana.ir/Fa/News/> (Accessed 9 August 2017). (Persian).
25. Jones, K. (2008). Female fandom: Identity, sexism, and men's professional football in England. *Sociology of Sport Journal*, 25(4), 516-37.
26. Keshavarz, L., Farahani, A., Rezaei Sufi, M., & Zokaei, H. (2016). Factor analysis of the strengths, weaknesses, threats and opportunities of receiving and hosting great international sporting events in Iran. *Applied Research in Sport Management*, 4(1), 24-11. (Persian).
27. LaVoi, N. M. (2016). Introduction. In N. M. LaVoi (Ed.), *Women in sport coaching* (1-9). New York: Routledge.
28. Litchfield, C., Kavanagh, E., Osborne, J., & Jones, I. (2018). Social media and the politics of gender, race and identity: The case of Serena Williams. *European Journal for Sport and Society*, 15(2), 154-70.
29. Loo, R. (2002). The Delphi method: a powerful tool for strategic management. *An International Journal of Police Strategic and Management*, 25(4), 762-9.
30. Madensen, T. D., & Eck, J. E. (2008). Spectator violence in stadiums: A report of U.S Department of Justice. Available at: https://go.unlv.edu/sites/default/files/page_files/3/Spectator-Violence-in-Stadiums.pdf (Accessed 19 sep 2019)
31. Malchuthain, M. (2010). Sports and politics. *Politics Quarterly, Faculty of Law and Political Science*, 39(2), 301-16. (Persian).
32. Mintert, S. M., & Pfister, G. (2015). The FREE project and the feminization of football: The role of women in the European fan community. *Soccer & Society*, 16(2-3), 405-21.
33. Mutmani, A., Hemati, A., & Moradi, H. (2013). Identifying and prioritizing the barriers faced by women in exercising sports. *Sports Management Studies*, 24, 111-30. (Persian).
34. Naderi, A., Shahbazi, M., & Akbari, E. (2014). Anthropometric analysis of women's sports: A study on sports activities in women's parks in Tehran. *Iranian Humanities Research*, 4(2), 51-68. (Persian).
35. Pope, S. (2011). Like pulling down Durham Cathedral and building a brothel: Women as 'new consumer' fans? *International Review for the Sociology of Sport*, 46(4), 471-87.
36. Pope, S. (2013). The love of my life, the meaning and importance of sport for female fans. *Journal of Sport and Social Issues*, 37(2), 176-95.
37. Pope, S., & Williams, J. (2011). Beyond irrationality and the ultras: Some notes on female English rugby union fans and the 'feminised' sports crowd. *Leisure Studies*, 30(3), 293-308.

38. Rahmani Nia, F., Ramezani Nejad, R., & Fazli-Naderi, A. (2006). Effect of male and female spectators on the incidence of aggressive behaviors of athletes. *Journal of Motion*, 29, 137-46. (Persian).
39. Rahmani Nia, F., Ramezani Nejad, R., & Soltani, M. (2004). Comparison of the effect of male and female spectators on the outcome of basketball and horse throwing student boys. *Journal of Motion*, 17, 137-48. (Persian).
40. Raisborough, J., & Bhatti, M. (2007). Women's leisure and auto/ biography: Empowerment and resistance in the garden. *Journal of Leisure Research*, 39(3), 459-76.
41. Richards, K. (2018). An examination of women in leadership positions in sport: A case study of Australian rules football (Unpublished doctoral dissertation). Charles Sturt University, New South Wales.
42. Shadmanfaat, S. M., Cochran, J. K., Muniz, C. N., & Kabiri, S. (2018). Soccer hooliganism in Iran: A test of Agnew's general strain theory. *Deviant Behavior*, 1, 1-15.
43. Stronach, M., Maxwell, H., & Pearce, S. (2018). Indigenous Australian women promoting health through sport. *Sport Management Review*, 22(1), 5-20.
44. Sveinson, K., & Hoerber, L. (2016). Female sport fans' experiences of marginalization and empowerment. *Journal of Sport Management*, 30, 8-21.
45. Woman Message. (2012). The share of sports from women's leisure. No. 257. Available at: <https://hawzah.net/en/Magazine/View/3992/7946/103618> (Accessed 8 August 2017). (Persian).
46. Wu, C. H., & Fong, W. C. (2011). Combining the fuzzy analytic hierarchy process and the fuzzy Delphi method for developing critical competences of electronic commerce professional manager's. *Qual Quant*, 45, 751-68.

استناد به مقاله

فراهانی، اکرم، شاهمنصوری، عزت‌اله، و مندعلی‌زاده، زینب. (۱۳۹۹). تحلیل و اولویت‌بندی موانع حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی فوتبال به‌عنوان تماشاگر در ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲ (۶۱)، ۷۰-۱۴۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2019.7266.2541

Farahani, E.A., Shah Mansouri, A., & Mondali Zadeh, Z. (2020). Analysis and Prioritizing the Barriers of Presence of Women as Spectators in Football Stadiums in Iran. *Sport Management Studies*. 12 (61):147-70. (Persian). DOI: 10.22089/smrj.2019.7266.2541

Analysis and Prioritizing the Barriers of Presence of Women as Spectators in Football Stadiums in Iran

A. Farahani¹, E.A. Shah Mansouri², Z. Mondali Zadeh³

1. M.Sc. of Sport Management, Azad University of Arak

2. Assistant Professor of Sport Management, Azad University of Arak

3. Assistant Professor of Sport Management, Arak University (Corresponding Author)

Received: 2019/04/14

Accepted: 2019/09/04

Abstract

The purpose of the research is to analyze and prioritize the barriers of presence of women as the spectators in sports stadiums in the field of football. The research method was qualitative and the Delphi approach was used. The qualitative section included collaborators in the Delphi panel. In the Delphi panel, 23 people in the first round and 16 in the second and third rounds participated in the research, of which 9 were university professors, 7 clerics, and 7 police personnel. Purposeful sampling method was used. After collecting the data from the Delphi approach, a hierarchical analysis questionnaire was used to prioritize the barriers. Based on the agreement of experts, political, security, cultural-social, infrastructure and management components were among the obstacles for the presence of women in sports complexes. Political barriers with an average weight of 0.525 had the highest priority and then management barriers with an average weight of 0.249, socio-cultural barriers with an average weight of 0.104 infrastructure barriers with an average weight of 0.886 and security barriers with an average weight of 0.035 arranged. It seems that even women's issues in the field of sport have been politically motivated, which places sport in opposition to education, and given that sport is a topic that can be considered an opportunity and a threat, it is better to separate it from political affairs, because the health of the urban community and citizens is about to engage in sport in a safe environment.

Keywords: Football Stadiums, Obstacles, Women's Presence.

1. Email: a.farahani563@gmail.com

2. Email: et.shahmansoori@gmail.com

3. Email: z-mondalizade@araku.ac.ir